



انجمن علمی فقه‌برای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌برای تطبیقی

Volume 3, Issue 2, 2023

Organization; Neglected Criteria for the Crime of Goods Smuggling and Corruption in Earth

Mohammad Mehdi Rahimi¹, Seyed Mehdi Mansouri^{*2}, Kamal Khajepoor³

1. Ph.D Student, Department of Criminal law and Criminology, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Theology, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 61-75

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-8769-3959

TELL: +983531871000

Email: Sm_mansouri89@yahoo.com

Article history:

Received: 05 Apr 2023

Revised: 04 Jun 2023

Accepted: 11 Jun 2023

Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

*Corruption in Earth,
Economic Crime, Goods
Smuggling,
Criminal Populism.*

ABSTRACT

The dominant criminal policy in dealing with economic corruption is the security-oriented policy, and if the security-oriented attitude and populist view dominates the criminal policy, it is considered a serious threat to the criminal policy. The present research, which was carried out with a descriptive-analytical method and with library tools, seeks to answer the question that what changes should be made in the criminal policy against goods smuggling in order to decrease the trend of this crime? The hypothesis is that paying special attention to organized trafficking, apart from the populist and instrumental view, and decisively dealing with the people who are at the top of the pyramid, can reduce the increasing trend of trafficking to a great extent. For this purpose, in this article, an attempt has been made to pay attention to organized trafficking from another point of view and deal with it in terms of interaction with Corruption in Earth as a strategy in criminal policy. Corruption in Earth is an important title that can be a suitable answer for such behaviors. Also, with the independent criminalization of Corruption in Earth and the transparency of its limits, it is possible to take advantage of the four punishments of Muhareba for Corruption in Earth to be considered as a useful solution for criminal policy.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Rahimi, MM; Mansouri, SM & Khajepoor, K (2023). "Organization; Neglected Criteria for the Crime of Goods Smuggling and Corruption in Earth". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(2): 61-75.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

سازمان‌یافتگی؛ معیار مغفول جرم قاچاق کالا و افسادفی‌الارض

محمد مهدی رحیمی^۱، سیدمهدی منصوری^{۲*}، کمال خواجه‌پور^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه معارف، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

چکیده

سیاست کیفری غالب در برخورد با مفساد اقتصادی، سیاست امنیت‌مدار است و در صورتی که نگرش امنیت‌مدار و دیدگاه پوپولیستی بر سیاست کیفری حاکم گردد، تهدید جدی برای سیاست کیفری محسوب می‌شود. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه تغییراتی در سیاست کیفری در قبال قاچاق کالا باید اتخاذ گردد تا روند جرم‌مزبور نزولی شود؟ فرضیه این است که توجه ویژه و خاص به قاچاق سازمان‌یافته فارق از نگاه پوپولیستی و ابزاری و برخورد قاطع با اشخاصی که در رأس هرم قرار دارند، می‌تواند تا حد بسیاری از روند روز افزون قاچاق بکاهد. به همین منظور در این مقاله سعی شده است از زاویه دیگر به قاچاق سازمان‌یافته توجه شود و از باب تلاقی یافتن با افسادفی‌الارض به‌عنوان یک تدبیر یا تهدید سیاست کیفری بدان پرداخته شود. افسادفی‌الارض عنوان مهمی است که می‌تواند پاسخگوی مناسب در مواجهه با چنین رفتارهایی باشد. همچنین می‌توان با وفاقی که درباره محاربه و افسادفی‌الارض در مذاهب اسلامی وجود دارد، درعین جرم‌انگاری مستقل افسادفی‌الارض و شفافیت حدود و ثغور آن، از مجازات‌های چهارگانه محاربه برای افسادفی‌الارض بهره برد تا به‌عنوان راهکار مفید فایده برای سیاست کیفری تلقی گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۱-۷۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۳۹۵۹-۸۷۶۹-۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۳۵۳۱۸۷۱۰۰۰

ایمیل: Sm_mansouri89@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

افسادفی‌الارض، جرم اقتصادی، قاچاق کالا، عوام‌گرایی کیفری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

به نظر می‌رسد حائز اهمیت‌ترین چالش در عرصه اقتصاد، قاچاق کالا باشد که در سالیان اخیر ضربات مهلکی را به پیکره اقتصاد وارد آورده است و تبعات گوناگون و وسیعی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در پی داشته است. تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای قاچاق ارائه شده است: دسته اول؛ قاچاق اموال موضوع عایدات دولت، دسته دوم؛ قاچاق اشیا ممنوع‌الصدور و ممنوع‌الورود.

قاچاق از لحاظ ورود به کشور به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- سنتی یا علنی ۲- مدرن یا پنهان که عمده ضربه به نظام اقتصادی کشورمان از این طریق می‌باشد. منظور از سنتی یا علنی یعنی با بهره‌گیری از مرزهای خارج از کنترل دولت و به صورت غیر رسمی و بدون پرداخت حقوق گمرکی و بدون رعایت ضوابط تجاری صورت می‌گیرد اما مدرن یا پنهانی از چهار طریق صورت می‌گیرد: ۱- از مبادی کنترل شده اما به صورت غیرقانونی و تبانی انجام می‌شود؛ ۲- با کمک عناصر ذی‌نفوذ و صلاحیت‌دار یعنی از طریق افرادی که در دولت یا بخش‌های مختلف دولتی یا غیر دولتی دارای مسؤولیت بوده‌اند؛ ۳- قاچاق با استفاده از روش ورود موقت یعنی رویه‌ای که بر اساس آن برخی از کالاهای بدون پرداخت حقوق گمرکی و عوارض آن به قصد خروج مجدد در مواعید مقرر وارد کشور می‌گردند، البته با اهداف و اغراض متفاوت و به اصطلاح سازنده! ولی در پایان موعدهای آن دوباره از کشور خارج نمی‌شوند. ۴- قاچاق از طریق ترانزیت، بدین معنا که کالایی برای ترانزیت به کشور دیگر وارد می‌شود اما بعد از این منظور به صورت قاچاق وارد و عرضه می‌گردد (فرهنگ دلیر، ۱۳۹۳: ۳۴).

برای حل این معضل از سالیان پیش قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای مبارزه با این پدیده مخرب وضع گردیده است. از قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۰۷ با همه اصلاحات و الحاقات آن در سال‌های ۱۳۱۹، ۱۳۵۳، ۱۳۷۳ گرفته تا قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲؛ اما با همه این تدابیر

آنچه که در عمل رخ داده، چیزی جز روند روزافزون پدیده قاچاق نبوده لذا این پرسش مطرح می‌شود که چه تغییراتی در سیاست کیفری در قبال قاچاق کالا باید اتخاذ شود تا روند جرم مزبور نزولی شود؟ به نظر می‌رسد توجه ویژه و خاص به قاچاق سازمان‌یافته فارق از نگاه پوپولیستی و ابزارری و برخورد قاطع با اشخاصی که در رأس هرم قرار دارند می‌تواند تا حد بسیاری از روند روز افزون قاچاق بکاهد. به همین منظور در این مقاله سعی شده است از زاویه دیگر به قاچاق سازمان‌یافته توجه شود و از باب تلاقی یافتن با افسادفی‌الارض به‌عنوان یک تدبیر یا تهدید سیاست کیفری بدان پرداخته شود.

قانونگذار کیفری ایران برای نخستین بار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عنوان (افسادفی‌الارض) را به‌عنوان نهاد مستقل و جداگانه از محاربه جرم‌انگاری کرد. اتخاذ این رویکرد و ورود عنوان مجرمانه در قانون کیفری با توجه به سابقه فقهی و تقنینی آن که سال‌ها با جرم محاربه همسان و یکسان بود، ابهامات و انتقادات جامعه فقهی و حقوقی را در پی داشت.

افسادفی‌الارض جرمی است که دارای ابعاد مختلف در زمینه‌های گوناگونی است، قلمرو این جرم در لسان فقها ضابطه‌مند نیست و مبحث مستقلی را برای این جرم حدی اختصاص نداده‌اند و مصادیق متنوعی را برای صدق افسادفی‌الارض اشاره نکرده‌اند؛ از جمله مصادیقی که فقها بدان پرداخته‌اند و می‌توان حاکی از توجه‌شان به جرم اقتصادی محسوب شود، روایتی است که مجازات قطع دست محتال را از باب افسادفی‌الارض بیان داشته است، محتال در اصطلاح فقها شخصی است که با توسل به عملیات فریبکارانه، اقامه شهود دروغین و جعل نوشته دیگران اقدام به بردن مال مردم می‌کند (حلی، ۱۴۰۹: ۹۶۱/۴) در مورد مجازات شخص محتال صحیح‌ه حلبی از امام صادق^(ع) نقل کرده که مضمون آن عبارت است از قطع دست کسی که خود را به دروغ به‌عنوان فرستاده شخص دیگری معرفی کرده

عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، سبب اشاعه فساد یا فحشا شدن را ذکر کرده و در صورتی که اگر یکی از این نتایج هم به وقوع پیوندد، می‌تواند منجر به صدق عنوان افساد فی الارض گردد؛ در نتیجه گستردگی این جرایم که منجر به نتایج مزبور گردد، ما را گسیل به عنوان مزبور می‌دارد؛ ابهامات موجود در متن ماده ۲۸۶ ق.م.ا و کلی‌گویی قانون‌گذار از معضلات این جرم حدی خطیر است و زمینه برداشتهای متفاوت و سلیقه‌ای قضات را فراهم می‌آورد.

هدف از اجرای حدود بالاخص افساد فی الارض در مقام حق‌اللهی بیان ارزش‌ها و شعائر اسلامی است و در مقام حق‌الناسی غالباً ناتوان‌مندسازی مجرم می‌باشد در صورتی که به نظر می‌رسد در حال حاضر هدف از اجرای حد افساد فی الارض در موضوعات مختلف اغراض دیگری است. بنابراین در صورتی که جرم قاچاق کالا با شرایط ماده ۲۸۶ ق.م.ا همراه گردد می‌تواند محل تلاقی جرم مزبور با افساد فی الارض باشد اما باید توجه داشت نگرش سیاست‌گذاران کیفری به این جرم اقتصادی چگونه است، آیا برای اطلاق عنوان افساد فی الارض در جرم قاچاق کالا، هدف، حفاظت از جامعه و ناتوان‌مندسازی مجرم است؟ در صورتی که به نظر می‌رسد با اجرای احکام مفسدین فی الارض تغییری در روند ارتکاب جرایم خطرناک صورت نگرفته پس در این پژوهش تلاش می‌شود بیشتر به ابعاد این موضوع پرداخته شود.

۱- خطمشی جرم اقتصادی و مصادیق آن

ارائه تعریفی جامع از جرم اقتصادی به دلیل وجود اصطلاحات مشابهی مانند فساد اقتصادی، فساد مالی و جرم مالی امر دشواری است این اصطلاح، در یک چشم‌انداز وسیع، به هرگونه عمل غیر خشنونت‌آمیز که منجر به زیان مالی شود، اطلاق می‌گردد (Button et al, 2022: 17). جرایم مذکور، توسط افراد یا گروه‌ها با هدف کسب امتیاز مالی یا حرفه‌ای ارتکاب می‌یابند. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین شاخصه جرم

و از او وجه یا مالی را اخذ می‌نماید (طوسی، ۱۳۶۳: ۲۴۳/۴) شیخ طوسی در ذیل روایت مذکور نظر می‌دهد که این روایت باید حمل شود بر موردی که شخص به چنین عملی (بردن اموال مسلمانان از این طریق) عادت کرده باشد در این صورت است که امام می‌تواند دست او را قطع نماید زیرا او مفسد فی الارض است و نباید حمل بر سرقت و اجرای حد سرقت نمود (طوسی، ۱۳۶۳: ۲۴۳/۴).

نص صریح افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ماده ۲۸۶ می‌باشد. یکی از مواردی که به موجب ماده مزبور سبب اطلاق عنوان افساد فی الارض می‌گردد (اخلال در نظم اقتصادی) است. به عبارتی ارتکاب جرایم اقتصادی یا هرآنچه که سبب برهم خوردن نظم اقتصادی است از سوی شخص یا اشخاص مختلف صورت پذیرد مقید به آنکه سایر شروط مندرج در ماده فراهم باشد، افساد فی الارض را ایجاب می‌کند، اما منظور از نظم اقتصادی در ماده مزبور چیست؟

دستگاه قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران تمامی رفتارها و روابط و نهادهای اقتصادی نظام سرمایه‌داری را به روش عدم مغایرت با اسلام و قانون اساسی، تحلیل و تعدیل کرده و در نهایت می‌پذیرد؛ یعنی رفتارها و روابط و نهادهای اقتصادی نظام سرمایه‌داری در صورتی که احراز نشود ربوی، غرری، ضرری و... است، از منظر دستگاه قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران اجرای آنها بلا اشکال اعلام می‌شود که این خود یک چالش بزرگی است، یعنی این مقایسه ظاهری نهادهای سرمایه‌داری با شریعت اسلام و صرف عدم مغایرت و بدون توجه به فلسفه ایجابی آن نهادها و روابط در خاستگاهشان، می‌تواند باعث بروز فسادهای مختلفی به‌ویژه در عرصه اقتصاد گردد.

در ماده ۲۸۶ ق.م.ا برای شمول این جرم قید «گسترده بودن» را برای تمامی صور افساد ذکر کرده که جرایم اقتصادی و موضوع پژوهش حاضر (قاچاق کالا) از این قاعده مستثنی نیست و در ادامه ماده نتایجی نظیر اخلال شدید در نظم

اقتصادی غلبه جنبه عینی جرم بر جنبه ذهنی آن است؛ یعنی آنچه در جرم اقتصادی اولویت دارد تأثیراتی است که از اعمال مجرمانه در این حیطة، بر سلامت سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی وارد می‌آید (Achim & Borlea, 2020: 111). به عبارتی، جرایمی که علیه دو شاخص سیاست‌های اقتصادی و فعالیت‌های اقتصادی صورت می‌گیرد، طبقه‌بندی جرایم اقتصادی را تشکیل می‌دهد. منظور از سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی دولت است و مضمون سیاست‌های مالی و پولی می‌شود؛ جرایم در حیطة پول و ارز و درآمدهای دولت در این طبقه‌بندی جای می‌گیرد و منظور از جرایم مربوط به فعالیت‌های اقتصادی کلیه فعالیت‌های مرتبط به تولید، توزیع و مصرف است (Betts, 2017: 43).

۱-۱- جرایم علیه سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی

در ابتدا باید خاطر نشان کرد منظور از سیاست‌های اقتصادی دولت به‌کارگیری ابزارها و امکانات مالی و پولی برای نیل به اهداف اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، مهار تورم، موازنه پرداختها، اشتغال و رفاه اقتصادی و... می‌باشد (محتشم دولتشاهی، ۱۳۹۰: ۲۸۶). از ابزارهای دولت برای رسیدن به اهداف یاد شده می‌توان به وضع قوانین مالیاتی، مقررات مدون در عرصه صادرات و واردات، عرضه اوراق مشارکت و قوانین پولی و ارزی اشاره کرد. سیاست‌های اقتصادی دولت را می‌توان در قالب سیاست‌های مالی و پولی مورد بحث و ارزیابی قرار داد که هدف مشترکشان موازنه تولید و اشتغال کامل و هم‌چنین ثبات قیمت‌ها در بازارهای مختلف موجود در اقتصاد است و رسیدن به ثبات در گروهی جامه عمل پوشاندن به مباحث مزبور است. برای رسیدن به ثبات اقتصادی هم‌چنین می‌توان فاکتورهایی نظیر افزایش تولید، تورم پایین، اشتغال بالا را در نظر داشت (Passas, 2017: 10).

همانطور که ذکر شد سیاست اقتصادی یعنی سیاست‌های مالی و پولی کشور که توسط بانک مرکزی اتخاذ و ابلاغ می‌شود و با ابزارهایی نظیر حداقل ذخیره قانونی، عرضه اوراق مشارکت، تعیین نرخ تنزیل مجدد و... جامه عمل به خود

می‌گیرد. آن بخش از اعمال مجرمانه که برخلاف این سیاست‌های ارتکاب می‌یابد، عبارت از یک بخش مربوط به خلق مجرمانه پول اعم از پول فلزی و اسکناس و اسناد جایگزین پول نظیر چک است (Wilfrid, 2000: 117) که در قانون ما نیز تحت عناوین مجرمانه مختلفی جرم‌انگاری گردیده نظیر جعل اسکناس رایج و ارزهای خارجی، قلب سکه داخلی و خارجی. چنین عناوینی با اینکه میان حقوق‌دانان در مورد دسته‌بندی‌های آن اختلاف نظر وجود دارد ولی می‌توان آن را در زمره جرایم علیه سیاست اقتصادی دولت قلمداد کرد چراکه علاوه بر افزایش حجم پول و کاهش ارزش پول و سلب اعتماد عمومی عملاً کنترل و نظارت دولت و بانک مرکزی را که عهده‌دار ضرب سکه و چاپ اسکناس است، مختل می‌سازد. البته که برخی از حقوق‌دانان با تکیه بر همین نتیجه سلب اعتماد عمومی، آن را در زمره جرایم علیه آسایش عمومی طبقه‌بندی کرده‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۳۸۴). جرایم علیه سیاست پولی یعنی جرایمی که به‌منظور تحصیل مجرمانه پول ارتکاب می‌یابد. جرایمی همچون جرایم مربوط به قیمت‌ها، اوراق مشارکت، جرایم بورسی، ربا و قاچاق کالا و ارز در زمره این دسته جای می‌گیرد (Rorie, 2019: 3). جرایم بورسی اقداماتی را در بر می‌گیرد که خارج از روند عادی و صحیح معاملات اوراق بهادار بوده غالباً توأم با سوءنیت و با توسل به شیوه‌های غیرقانونی و به‌منظور قیمت‌سازی و اخلاص در بازار بورس ارتکاب می‌یابد. معامله متکی بر اطلاعات نهانی، سوء استفاده از اطلاعات نهانی، افشای مستقیم یا غیر مستقیم اطلاعات مجرمانه، دستکاری قیمت بازار، افشای اسرار اشخاص توسط کارگزار بورس مصادیق جرایم بورسی قلمداد می‌شود (Schultz & Jordanoska, 2019: 7). جرایم مربوط به قیمت‌ها مشتمل بر اعمال مجرمانه نظیر تجاوز از قیمت مصوب، ایجاد قیمت‌های کاذب و اخلاص در آزادی حراج و مزایده است و نیز انتشار امور خلاف واقع در مورد اوراق مشارکت عرضه شده توسط دولت به‌منظور سلب اعتماد مردم و تحریک به استرداد این اوراق به‌منظور خرید آنها توسط فرد تحریک کننده از

مجاز از هرگونه اطلاعات داخلی رقبا در زمینه تجاری، مالی، فنی و نظایر آن به نفع خود یا اشخاص ثالث می‌باشد.

۲- قاچاق کالا، مهم‌ترین مصداق جرم اقتصادی

با توجه به تقسیم بندی ارائه شده، قاچاق کالا مهم‌ترین جرمی است که هم می‌تواند در زمره جرایم علیه سیاست‌های اقتصادی دولت جای گیرد و هم در زمره جرایم علیه فعالیت‌های اقتصادی، لذا دو طرح عمده و اساسی برای مقابله با این پدیده مخرب اقتصادی در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است. در الگوی اول که از سوی کشورهای توسعه یافته و دولت‌هایی که داعیه نظم اقتصادی منسجم دارند اتخاذ شده بدین نحو است که با پذیرش واقعیت تلخ این پدیده، با ارائه راهکارهای اقتصادی و تدوین سیاست‌های هدفمند علاج را در حفظ تعادل و تنظیم نظام اقتصادی می‌دانند (Gallien & Weigand, 2021: 47) گرچه جرم‌انگاری نیز در چنین نظام‌هایی از اهمیت برخوردار است و با قاطعیت به مبارزه و مقابله با آن می‌پردازند اما عمده تمرکزشان بر تنظیم قوانین تجاری و گمرکی است و برای این مهم مسیری مبتنی بر اصول و بایسته‌های علوم اقتصادی را سرلوحه قرار داده‌اند (بیات سرمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۶).

۲-۱- اصول و اهداف

از جمله این اصول و اهداف، افزایش کمی و کیفی تولید داخلی، اهتمام به تأمین مایحتاج شهروندان، کنترل عدالت‌محور نظام توزیع کالا و خدمات، توسعه فضای رقابت سالم و ایجاد سامانه‌های پیشرفته و منظم واردات و صادرات کالا می‌باشد. در الگوی دوم که بیشتر از سوی کشورهای که نگاه امنیتی به قاچاق کالا داشته‌اند اتخاذ شده، با وضع قوانین کیفی سخت به دنبال مقابله و ریشه‌کن کردن این پدیده هستند. به عبارتی، به جای حل ریشه این معضل به دنبال پاک کردن صورت مسئله هستند و در این الگو راه مقابله با این پدیده را تقویت زرادخانه کیفی با جرم‌انگاری رفتارهای مرتبط با آن و کیفی‌های متعدد و سخت دانسته و راهکارهای

مصادیق جرم اقتصادی با عنوان تحصیل مجرمانه پول قلمداد می‌شود (Wilfrid, 2000, 14).

در مورد جرایم مرتبط با پرداخت مالیات از آنجایی که منبع درآمدی بسیاری از دولت‌ها است برخلاف سایر جرایم اقتصادی، منافع و مزایای شهروندان به طور مستقیم سیل هدف مجرمانه قرار نمی‌گیرد و با توجه به اینکه منجر به متزلزل شدن پایه‌های اقتصادی می‌گردد یک جرم اقتصادی بر ضد دولت قلمداد می‌شود (OECD, 2021: 19). جرم اقتصادی علاوه بر اینکه علیه سیاست‌های اقتصادی رخ می‌دهد، می‌تواند علیه فعالیت‌های اقتصادی که اکثریت شاغلین جامعه به طور مستقیم با آن در ارتباط هستند نیز رخ دهد. فعالیت‌های اقتصادی در سه دسته تولید، توزیع و مصرف جای می‌گیرد و عملکرد در رابطه با این سه شاخص به طور کلی همه عوامل اقتصادی موجود در یک جامعه را در بر می‌گیرد (Ryder et al, 2016: 46).

با تأمل در بندهای (د)، (ط)، (ک) ماده ۴۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ می‌توان به مصادیق دیگری از جرایم اقتصادی در حوزه موضوع فعالیت‌های اقتصادی پی برد که بدین شرح می‌باشد: در بند (د) به قیمت گذاری تهاجمی اشاره کرده یعنی آنکه عرضه کالا یا خدمت به قیمتی پایین‌تر از هزینه تمام شده آن به نحوی که لطمه جدی به دیگران وارد کند یا مانع ورود افراد جدید به بازار شود (نورزاد، ۱۳۸۹: ۱۴۷). در بند (ط) ماده مزبور سوءاستفاده از موقعیت برتر را عنوان کرده است؛ سوءاستفاده‌های مبتنی بر قیمت، امتناع از معامله یا عرضه، سوءاستفاده‌های مبتنی بر مالکیت فکری از مصادیق سوءاستفاده از موقعیت برتر یا مسلط شمرده می‌شود (نیازپور، ۱۳۹۸: ۵۵۱). در پایان در بند (ک) به طفیلی‌گری اقتصادی اشاره داشته که به معنای کسب و بهره‌برداری غیر

مدیریت نظام اقتصادی را در اولویت بعدی خود قرار داده‌اند (نیازپور، ۱۳۹۸: ۵۵۱).

با امعان نظر در اولین قوانینی که برای مقابله با قاچاق تصویب و وضع گردیدند، می‌توان نمونه‌هایی از الگوی دوم و به عبارتی رویکرد امنیتی و کیفرگرا را مشاهده نمود. قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۰۷ و در ادامه با اصلاحات و الحاقاتی که در سال‌های ۱۳۱۹، ۱۳۵۳ و ۱۳۷۳ در آن صورت گرفت دارای یک نگرش امنیت‌مدار و واکنش محور به قاچاق کالا و به معنای اخص آن بود. با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۲ تمامی قوانین قبلی نسخ شده ولی روح سخت‌گیرانه قوانین سابق در کالبد قانون حاضر تبلور یافت و در سال ۱۳۹۴ اصلاحاتی در آن به عمل آمد، با این حال در این قانون به کیفرهایی نظیر ضبط کالا، ضبط خودرو حامل، جزای نقدی، شلاق، حبس و حتی اعدام و مجازات‌های تکمیلی اشاره کرده است. به نظر می‌رسد که نمی‌توان این رفتار مخرب را صرفاً به‌عنوان رفتاری اقتصادی و تحلیل‌های مبتنی بر علوم اقتصادی به مقابله و ریشه‌کن کردن آن پرداخت و لازمه مبارزه با این آفت (تا حدی) چاشنی امنیت‌گرایی و رویکرد سخت قانون‌گذار برای جرم‌انگاری آن می‌باشد. اکنون تلاش می‌شود تحلیلی از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۲ ارائه گردد و شاخصه‌هایی که موجب دافعه و یا سخت‌گیری به جا در این قانون می‌باشد را به‌طور مختصر نقد شود.

۲-۲- وسعت دامنه جرایم قانون

شاید انگیزه قانون‌گذار از این طیف گسترده جرم‌انگاری، فراهم کردن بستر اقتصاد سالم و به دور از آفت‌هایی نظیر قاچاق بوده و عملکرد فعالیت‌های تجاری کشور را در سطح بالایی قرار دهد ولی این حجم از جرم‌انگاری (۳۴ عنوان مجرمانه) ثمره‌ای جز محدودیت در مسیرهای تجارت آزاد و افزایش ریسک فعالیت‌های تجاری را در پی ندارد و شاید مهم‌ترین ثمره چنین رویکردی بروز سردی و بی‌میلی از سرمایه‌گذاری در میان فعالان اقتصادی باشد و در نتیجه،

چیزی جز ایجاد مشکلات ساختاری برای دولت در پی نخواهد داشت. شاخصه دیگر این قانون، کیفرگرایی صرف در مبارزه با قاچاق است. ضمانت اجراهایی که به نظر می‌رسد با کمتر شدن عناوین مجرمانه در این قانون و یا به عبارتی، ادغام جرایم یا ارائه ضابطه‌ای جامع‌و‌مانع از این حجم ضمانت اجرای کیفری کاست و در جهت جلب نظر منتقدین و مخالفین آن گام برداشت، منتقدین، این کیفرگرایی، صرف برخورد سخت‌گیرانه را مردود می‌دانند (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۸۵) به‌ویژه در مورد قاچاق کالا که این ضمانت اجراها تاکنون نتوانسته است مانعی برای ارتکاب چنین جرایمی باشد (سعیدی، ۱۳۹۷: ۱۵۰) اما به نظر می‌رسد ضمانت اجراهای قانون مزبور به جز حجم زیادی که باید بر مبنای یک الگو و ساختار تعدیل گردد، عیب و نقیصه محسوب نمی‌گردد چراکه اگر قاطعیت و حتمیت قانون‌گذار نمود نیابد، بستری برای سوءاستفاده فراهم می‌گردد. ریشه حل این معضل تلفیقی از جرم‌انگاری صحیح و علمی با ضمانت اجراهای کیفری قطعی و حتمی می‌باشد.

پیرامون عنصر روانی جرم قاچاق کالا نظرات مختلفی ابراز گردیده که برخی قائل به جرم مادی صرف، با مسؤلیت مطلق هستند و برخی دیگر حائز رکن روانی و عمدی قلمداد کرده‌اند ولی اثبات سوءنیت را لازم ندانسته و مفروض انگاشته‌اند که فرض بر علم و اطلاع مرتکب از ضوابط و مقررات بوده و اثبات خلاف آن را امکان‌پذیر ندانسته‌اند و در رویه قضایی نیز رویکردهای بعضاً متناقض وجود دارد. دلیل این معضل در بادی امر سکوت و اجمالی است که قانونگذار از همان اولین قانون‌هایی که برای مبارزه با قاچاق به تصویب رسانده، هیچ توجهی بدان نداشتند. حتی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ با اینکه در بند الف ماده ۱ در تعریف این جرم به پیشرفت قابل ملاحظه دست یافته اما در عنصر روانی همچنان غفلت شده است. این در حالی است که در ماده ۶۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز علم و اطلاع مرتکب از قاچاق بودن محموله شرط تحقق جرم حمل قاچاق

جزای نقدی می‌باشد. در همین قانون مجازات شخص حقوقی که مرتکب قاچاق سازمان یافته شود انحلال شخص حقوقی دانسته (تعزیر درجه یک) و در واقع این کنش مصداق سیاستگذاری متناقض است، درحالی که وقتی یک جرم به صورت سازمان یافته ارتکاب می‌یابد حد اعلائی یک رفتار مجرمانه است و در سطح بین الملل نظیر کنوانسیون پالمو توجه ویژه بدان مبذول شده است؛ با این وجود، در قوانین مختلف رویکرد ساده‌انگارانه‌ای از سوی قانونگذاران نسبت به سازمان یافتگی جرم اتخاذ شده است؛ به عنوان مثال، تبصره ۴ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی، سازمان یافتگی را باعث تشدید یک درجه‌ای مجازات دانسته است!

جرم سازمان یافته اشاره به اعمال مجرمانه ارتكابی توسط گروه‌هایی از اشخاص دارد که به شکل منسجم و متشکل گرد هم آمده‌اند و معمولاً قصد آن دارند که از اعمال خود فواید مالی کسب کنند (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷: ۱۹۱). البته با اشاره به مستمر بودن فعالیت‌های منسجم و برنامه‌ریزی شده می‌توان تعریف مزبور را از استواری بیشتری برخوردار ساخت. از جمله اهداف سازمان یافته بودن جرم، کسب سودهای کلان و نفوذ و کسب قدرت سیاسی و اقتصادی است. درجایی که هدف از ارتکاب جرم کسب قدرت است، سازمان مجرمانه علاوه بر هدف تحصیل مال، برای مصون نگه داشتن خود و اعضای سازمان از تعقیب و مجازات، به ارباب و تطمیع و فساد در دستگاه‌های اجرایی و قضایی اقدام می‌کند و با نفوذی که به سبب قدرت اقتصادی خود در جامعه به دست می‌آورد، می‌تواند در انتخابات دخالت نامحسوسی کرده، آرای مردم را به منظور انتخاب افراد مورد نظر خویش سوق دهد. با پیروزی در انتخابات و کسب کرسی نمایندگانی در مجلس، سازمان مجرمانه می‌تواند قوانینی را که با منافعش در تضاد است نسخ کند و متقابلاً برای پیشبرد اهداف خود و قانونی جلوه دادن اقدامات تبهکارانه گروه، قوانین مورد نظر را به تصویب برساند و حتی در مواردی آنچنان در امور سیاسی پیشرفت کند که قدرت سیاسی قابل توجهی به دست آورد و

کالا دانسته شده بود ولی در اقدامی عجیب در اصلاحاتی که در سال ۹۴ به عمل آمد این ماده نسخ و هیچ ماده‌ای جایگزین آن نشد تا تنها ماده‌ای که عنصر روانی را حتی در مورد حمل قاچاق کالا اشاره کرده بود را از دست داده و رکن روانی بیشتر از پیش در حاله‌ای از ابهام قرار گیرد. در مورد نظرات مختلف پیرامون عنصر روانی گروهی دیگر وجود سوءنیت عام را ضروری و سوءنیت خاص برای تحقق آن لازم ندانسته‌اند (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۱۶) و گروهی دیگر سوءنیت خاص هم ضروری دانسته و آن را مقید دانسته‌اند (ولیدی، ۱۳۸۶: ۳۰۵) اما در واقع باید قائل به این شد که سکوت قانونگذار تعمدی بوده و جلوه‌ای از سخت گیری‌های تأمل برانگیز قانونگذار درباره جرم قاچاق تلقی نمود (فتحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۸۵).

مع الوصف به نظر می‌رسد، علاوه بر موارد فوق‌الذکر در قانون مزبور انتقاداتی در زمینه تشریفات رسیدگی و دادرسی وجود دارد. یکی از این انتقادات عدم تفکیک مقام‌هایی نظیر تحقیق، تعقیب و صدور رأی در سازمان تعزیرات حکومتی است درحالی که این مقام‌ها در فرایند قضایی از تفکیک سازمان دهی شده برخوردار است و مهم‌ترین دلیل این است که شعب سازمان تعزیرات حکومتی با توجه به شیوه انتصاب رؤسای آنها و شرایط اداره و نداشتن استقلال نهادی به سختی می‌توانند از نفوذ و کنترل سیاسی و اداری دور بمانند و رؤسای آنها به دلیل نداشتن استقلال و اقتدار لازم و امکانات و اختیارات کافی نمی‌توانند به اندازه مقامات دادسرا در جمع‌آوری و ارزیابی ادله و شناسایی عوامل دخیل در ارتکاب جرم و تعیین نقش و سهم آنها بی‌طرفانه و قاطع و مؤثر اقدام کنند.

۲-۳- تلاقی جرم قاچاق کالا با عنوان افساد فی الارض

از نکات تأمل برانگیز قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، برخورد با جرم قاچاق سازمان یافته می‌باشد که در ماده ۲۸ قانون مزبور بدان پرداخته است که سقف مجازات آن با در نظرگیری ارزش و نوع کالای قاچاق، پنج سال حبس در کنار

مجموعه را باید به دیده شخص واحدی نگریست و در این صورت اگر عناصر تحقق جرم کامل گردد باید حکم روی یکایک اعضای آن اجرا نمود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۹: ۵۳/۳) که این دیدگاه می‌تواند مفسده‌هایی در پی داشته باشد.

برای اطلاق افساد فی الارض بر جرم قاچاق شاخصه‌های مهمی باید لحاظ گردد. با توجه به ماده ۲۸۶ ق.م.ا به نظر می‌رسد که افساد فی الارض جرمی مقید باشد و در خصوص شرایط آن که در ماده مزبور بدان اشاره شده، قید گستردگی ما را به این نتیجه می‌رساند که موارد خرد و جزئی قاچاق کالا نمی‌تواند مصداقی برای افساد فی الارض تلقی گردد. اما تنها گذرگاهی که می‌تواند با افساد فی الارض تلاقی پیدا کند در خصوص جرم قاچاق، وصف سازمان یافته بودن آن است و مقید بودن افساد فی الارض را می‌توان با استفاده از ذیل ماده مزبور یعنی «خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی» به آن دست یافت و بالتبع وقتی در جرایم سازمان یافته گستردگی مستور است، می‌تواند خسارت عمده بر اموال عمومی و خصوصی و اخلال نظام اقتصادی را نیز در پی داشته باشد. به عبارتی می‌توان چنین ابراز داشت که سازمان یافتگی، سوءنیت خاص افساد فی الارض می‌باشد. به‌طور کلی قانونگذار ایران به‌جای پرداختن به مشکل کلی جرایم سازمان یافته به‌ویژه قاچاق و تبیین ابعاد مختلف و پیچیده آن ترجیح داده که در موارد خاصی این نوع جرایم را در قالب کیفیات مشدده جرایم عادی مورد توجه قرار دهد که چنین امری با توجه به افزایش خطرات جرم سازمان یافته کافی به نظر نمی‌رسد (مقدم و همکاران، ۱۳۹۱: ۵). بنابراین نتیجه می‌شود که با توجه به عدم جرم‌انگاری مستقل جرم سازمان یافته در نظام حقوقی ایران، برای دستیابی به یک ضابطه معین در خصوص جرم افساد فی الارض، می‌توان از خصوصیت سازمان یافتگی در کنار سایر نتایجی که در ماده ۲۸۶ ق.م.ا به آن اشاره شده است بهره برد و در صورتی که به صراحت معیار سازمان یافته بودن قید گردد تا حدی از ابهام و برداشت سلیقه‌ای قضات کاسته می‌شود.

به‌طور نامرئی در عزل و نصب مدیران اجرایی کشور سهیم گردد. در واقع وقتی چنین اهدافی در حالت سازمان یافته جرم مستتر می‌باشد، وقوع جرم اقتصادی (قاچاق کالا) به‌صورت سازمان یافته به‌خوبی تلاقی این جرم با افساد فی الارض را نشان می‌دهد، چراکه افساد فی الارض در جرایم سازمان یافته به‌طور اشد وجود دارد و به نظر می‌رسد افساد فی الارض نتیجه و اثر بارز جرم سازمان یافته است زیرا جرم سازمان یافته با عناصر خاص خود موجب اخلال و فساد در بخش‌های مختلف کشوری گردد که این نشان بر گستردگی فساد جرم سازمان یافته است و ملاک تباهی آور بودن در جامعه شامل این فساد گسترده می‌شود.

علاوه بر آن بر اساس آیه شریفه ۱۹۱ سوره بقره، آشکارا فتنه را بدتر و قبیح‌تر از کشتن می‌داند و فتنه هم به حیات مادی و هم حیات معنوی جامعه لطمه می‌زند در حالی که با کشتن یک انسان فقط حیات یک نفر لطمه می‌بیند (طباطبایی، بی‌تا، ۶۲/۲). لذا جرم قاچاق کالا به‌صورت سازمان یافته یکی از مصداق فتنه مزبور و افساد فی الارض می‌باشد. در لسان فقها نیز حالت فردی بودن یک رفتار مجرمانه با حالت سازمان یافته آن در میزان مجازاتشان متفاوت می‌باشد به‌گونه‌ای که وصف سازمان یافته بودن برای جرم، افساد فی الارض را به ذهن متبادر می‌کند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵: ۳۸۸/۲۰). نکته اساسی قابل استنباط این است که با توجه به ویژگی‌ها و عناصر خاص جرم سازمان یافته که تمامی اعضای گروه مجرمانه در ارتکاب جرم با هم در ارتباطند و مجموعه و گروه واحدی را تشکیل و هدف مشترکی را دنبال می‌کنند و هریک انجام بخشی از ارتکاب جرم را بر عهده می‌گیرند، می‌توان گفت مسؤولیت و مجازات، قابل تسری به همه گروه است هرچند که بعضی از اعضا در ارتکاب جرم و صحنه جرم هم حضور نداشته باشند. برای اثبات این مدعا برخی از فقهای معاصر بیان کرده‌اند در خصوص ارتکاب جرایمی که به شکل سازمان یافته انجام می‌پذیرد، اعضای آن نباید جداگانه مورد ارزیابی قضایی قرار گیرند بلکه کل

رویکرد در تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۶ که در مطالب پیشین بدان اشاره شد، گویای نگاه امنیتی قانونگذار و سیاست سخت‌گیرانه کیفری است.

پیش‌بینی مجازات اعدام و گسترش دامنه افساد فی الارض در سیاست کیفری تقنینی نشانگر تمایل قانونگذار به محدود کردن اختیارات قضات در تعیین مجازات حوزه فساد اقتصادی است (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، جلسه ۲۵۷: ۳۱). رویکردی که اگرچه با توجیه خواست و مطالبات عمومی که در اراده نمایندگان مردم در مجلس قانونگذاری تجلی یافته، اتخاذ شده اما از حیث غلبه عوام‌گرایی بر راهکارهای معقول و سنجیده در سیاست کیفری ایران قابل تأمل است. مستند ساختن مشروعیت سیاست‌های سخت‌گیرانه به مطالبات عمومی در حالی است که به دلیل عدم ارائه اطلاعات تخصصی و علمی به مردم، درک درستی از بسترهای زمینه‌ساز جرایم اقتصادی ندارند. علی‌ای حال رواج فساد اقتصادی، دولت را از پاسخ‌گویی منطقی به اقشار مختلف جامعه درمانده کرده و در شرایطی که مقبولیت عمومی و مشروعیت خود را در خطر می‌بیند، راه‌گریز را سوار شدن بر موج احساسات عامه مردم می‌داند و برای دغدغه‌مند نشان دادن خود توسل به سیاست‌های کیفرگرا و سخت‌گیرانه در دستور کار خود قرار می‌دهد تا میان جرایم و امنیت مخدوش شده با مجازات سنگین پیوند برقرار کند. درحالی‌که افساد فی الارض یک جرم حدی است و هدف از اجرای حدود از منظر حق‌اللهی بیان ارزش‌ها و از منظر حق‌انسانی غالباً ناتوانمندی‌سازی مجرم است و رویکرد و هدفی که قانونگذار اتخاذ کرده از حد افساد فی الارض ارباب عام و بازدارندگی بوده که این هدف در جرایم تعزیری وجود دارد.

پیماد چنین نگرشی فاصله گرفتن سازوکارهای حقوق کیفری از رسالت حقیقی خود در راستای مدیریت مقطعی جرایم و مفاصد اقتصادی است. از دیگر پیامدهای این عوام‌گرایی برای مجرمان اقتصادی نفی مدارا و تساهل می‌باشد و نقطه مقابل آن در اذهان عمومی جامعه، این مبارزات با مفاصد اقتصادی

۳- نگاهی به سیاست کیفری ایران در قبال جرایم اقتصادی و تلاقی یافتن آن با افساد فی الارض

سیاست کیفری کشور ایران در برخورد با جرایم اقتصادی دچار نوعی عوام‌گرایی کیفری شده است. در عوام‌گرایی کیفری سیاست‌گذاران با بی‌اعتنایی به یافته‌های علمی، برای آرام کردن احساسات جریحه‌دار شده و بازگرداندن نظم و امنیت جامعه به‌ویژه در وقوع جرایم مهم اقدام به وضع قوانینی به نظر پوشالی و صورت مسأله‌محور می‌نمایند. به همین جهت تأثیرپذیری از چنین جو متلاطم و احساس‌محور، تأکید برخواست مردم و شرایط زندگی اجتماعی از شاخصه‌های سیاست‌های مبتنی بر عوام‌گرایی کیفری است (Pfeiffer et al, 2005: 285). توسل به چنین سیاست‌های افراطی ماحصلی جز تورم کیفری و توسعه مداخلات حقوق کیفری و تحدید آزادی‌های شخصی را در پی نخواهد داشت. قوانینی با این اوصاف که بر اساس مصلحت‌سنجی و بدون انجام کارشناسی‌های لازم در جهت فروکش کردن اعتراض‌ها به تصویب می‌رسند، کارآیی درازمدتی نخواهند داشت. گرایش به سخت‌گیری کیفری پیرامون فساد اقتصادی در تبدیل ماهیت اقتصادی بزه ارتكابی به جرم سیاسی با مبنا قرار دادن قصد مرتکب مشهود است.

پس از جنگ تحمیلی، شرایط سخت معیشتی مردم سبب شد قانونگذار در پاسخ به موج معضلات اقتصادی ایجاد شده، پیش‌بینی نماید هریک از اعمال مذکور در ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹ در صورت وجود قصد ضربه زدن به نظام، قصد مقابله با آن و یا حتی علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام چنانچه در حد افساد فی الارض باشد، دادگاه مجازات اعدام را برای این اعمال اتخاذ نماید. این رویکرد برای بازسازی و حفظ نظام اقتصادی کشور بود که در جنگ و سال‌های پس از آن قرار داشت و حکم مجازات سلب حیات سزای سنگینی برای جرم ارتكابی بود اما خلط شدن آن با جرم حدی افساد فی الارض سبب ابهام بیشتر سیاست کیفری کشور گردید و استمرار این

ماده تفاوت ایجاد می‌کند، در ماده ۲۸ سقف مجازات قاچاق سازمان‌یافته پنج سال ولی در ماده ۳۰ حتی اگر انفرادی هم باشد، به قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی ارجاع داده که مجازات مفسد فی‌الارض که اعدام است لحاظ می‌شود.

با همه مناقشاتی که در میان صاحب نظران و فقها برای استقلال عنوان افساد فی‌الارض وجود دارد، به نظر ما، با توجه به ادله موافقین افساد فی‌الارض و تمسک به آیات و روایات برای توجیه دیدگاهشان و چارچوب مشخص جرم محاربه و راهگشا نبودن در برخورد با برخی از مفسده‌های موجود در جامعه لزوم توجه به‌عنوان افساد فی‌الارض بیش از پیش احساس می‌شود ولی همان‌طور که در مطالب پیشین اشاره شد، بزرگ‌ترین خطری که پیش‌روی این عنوان خطیر قرار دارد نگاه پوپولیستی و عوام‌گرایانه به این عنوان و دستمایه قرار دادن برای برخی از اغراض امنیتی و سیاسی می‌باشد. لذا وقتی یک جرمی همچون افساد فی‌الارض در زمره جرایم حدی قرار می‌گیرد، به‌موجب ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی بایستی موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مشخص باشد. به عبارتی حدود و ثغور این جرم حدی بایستی به خوبی تبیین شود. به نظر می‌رسد با توجه به هم‌پوشانی نداشتن دایره شمول محاربه و افساد فی‌الارض و لزوم توجه به مفسده‌هایی که جامعه به فراخور شرایط با آن مواجه می‌شود، تفکیک این دو عنوان حدی تلاش درخور توجه قانون‌گذار بوده که برای اولین بار به مناقشات درباره این جرایم پایان داد چراکه مصادیق تحت عنوان محاربه در شریعت اسلام محدود می‌باشد و جرم‌انگاری افساد فی‌الارض و جداسازی آن از محاربه می‌تواند پاسخگوی معضلات و ناهنجاری‌های جدید در جامعه باشد ولی کلی‌گویی و اتخاذ تنها مجازات اعدام برای افساد فی‌الارض از نقاط تأمل برانگیز و رویکرد امنیتی و سخت‌گیرانه قانونگذار حکایت دارد که از هدف اصلی اجرای حدود دور شده است درحالی که در وهله اول بایستی در اجرای حدود ارزش‌های اسلامی مبنا قرار گیرد نه منافع حاکمیت، و

بسیار پررنگ و قهرمان‌گونه جلوه داده می‌شود. گفتنی است در عوام‌گرایی کیفری هنگامی که مصلحت سیاست‌گذاران اقتضا می‌کند با کنار گذاردن اصول و موازین حقوقی، سیاست‌های کیفری ملایم و تسامحی به‌کار گرفته می‌شود (Jones, 2010: 347). به عبارتی، مفهوم مبارزه واقعی با فساد کمتر می‌شود. از دیگر آفات این معضل سرعت در رسیدگی است که همانا نتیجه‌ای جز تضییع حقوق متهم را در پی نخواهد داشت. هرچند پرهیز از اطاله دادرسی از حقوق اصلی متهم به‌شمار می‌رود اما در نقطه مقابل، اجتناب از شتاب‌زدگی تحت تأثیر افکار عمومی نیز از حقوق بنیادین متهم است. با این وجود در سیاست‌های جنایی ایران، در پاره‌ای موارد دادگاه‌ها به‌صورت تسریع در روند رسیدگی هدایت شده‌اند تا بدین وسیله عزم جدی مسؤولان سیاست جنایی در مقابله با جرایم، اثبات و از ارزش نقض شده حمایتی نمادین صورت گیرد. چنین راهکاری در غالب موارد به نادیده انگاشتن و یا تضییع حقوق متهمان می‌انجامد. به عبارت دیگر، تسریع بیش از اندازه در فرآیند کیفری موجب کاهش دقت در رسیدگی، افزایش توجه به نتیجه‌گرایی و تحدید موازین دادرسی عادلانه خواهد شد که مسلماً در دراز مدت ناکارآمدی نظام کیفری و باز نمایی منفی از عملکرد آن را به دنبال خواهد داشت (نیازپور، ۱۳۸۹: ۳۸۰).

به نظر ما، نمونه‌ای از سیاست کیفری سختگیرانه یا دیدگاه امنیت‌مدار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ ماده ۳۰ قانون مزبور می‌باشد: «در صورتی که ارتکاب قاچاق کالا و ارز به‌صورت انفرادی یا سازمان‌یافته به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن صورت گیرد و منجر به اخلاص گسترده در نظام اقتصادی کشور گردد موضوع مشمول قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹ می‌گردد و مرتکب طبق مقررات قانون مزبور مجازات می‌گردد». در مقایسه این ماده و ماده ۲۸ قانون مزبور به‌خوبی مشهود می‌باشد که جرم سازمان‌یافته با همه توضیحات و اهمیتی که پیرامون آن ارائه شد در قیاس با ماده ۳۰ که چاشنی مقابله با نظام یا علم به مؤثر بودن آن اضافه گردید تا چه میزان در مجازات این دو

در مورد حفاظت از مردم جامعه ناتوانمندی مجرم ملاک است که این مهم همیشه از طریق سلب حیات محقق نمی‌شود. در واقع اگر در جرم سازمان‌یافته قاچاق به درستی زنجیره اتصال اشخاص تبیین شود مجازات اعدام برای رأس هرم مجازاتی صحیح می‌باشد اما باید این پرسش را مطرح کرد که در مواردی که مجازات سلب حیات برای مفسد اقتصادی صادر می‌شود، آیا رأس هرم به مجازات محکوم شده است؟ پاسخ به این سؤال مشخص است اگر در پی اجرای مجازات سلب حیات آمار وقوع مفسد اقتصادی روند نزولی به خود بگیرد، هدف ناتوانمندی مجرم برای حفاظت جامعه مثمر ثمر بوده درحالی‌که روند مفسد اقتصادی و به‌ویژه قاچاق کالا روند صعودی داشته، یعنی اینکه در تشخیص زنجیره اتصال جرایم سازمان‌یافته برای رسیدن به رأس هرم مسیر نادرستی طی شده است.

۴- تأمل در مذاهب اسلامی پیرامون افساد فی الارض

اهل سنت هیچ بحث مستقلی تحت عنوان افساد فی الارض را اختصاص نداده و به عبارتی افساد فی الارض را هم طراز محاربه دانسته‌اند و این استقلالی که در مذهب تشیع میان برخی از فقها برای افساد قائل‌اند جز در برخی کتب جدید اهل سنت و در موارد نادر به‌عنوان افساد به‌کار نرفته است ولی همین موارد نادر هم نمی‌تواند یک قاعده را ایجاد نماید. کتاب القوانين الفقهیه ابن جزری به مباحث مربوط به بغی و ارتداد پرداخته که نزدیک به افساد فی الارض است اما به‌طور مستقیم از آن یاد نشده است. در میان کتب متأخرین اهل سنت ندرتاً مسائل مربوط به افساد مورد اشاره قرار گرفته است. در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه مؤلف بر این اعتقاد است که افساد فی الارض مفهومی عام است که شامل تمامی اقسام شر و بدی می‌شود و برای تأیید این دیدگاه اظهار می‌دارد سعید بن مسیب زورگیری را از مصادیق افساد می‌داند و استناد این فتوا را آیه ۲۰۵ سوره بقره قرار داده که خداوند متعال در آیه مذکور تباه کردن کشتزارها و نسل بشر را از مصادیق افساد فی الارض دانسته شده است (الجزیری، ۱۴۲۴:

۴۸۰/۵). البته در میان جست‌وجوی صورت گرفته در کتب مذاهب اهل سنت تنها مؤلف کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه افساد را شامل جرایم مالی دانسته‌اند و باز نیز آیه ۲۰۵ سوره بقره را مؤید دیدگاه خودش ذکر کرده و در آن آیه تباه کردن کشتزارها را حمل بر امور مالی و اقتصادی و از مصادیق افساد فی الارض قلمداد نموده و این دیدگاه نشأت گرفته از این است که مؤلف قلمرو افساد را یک قلمرو وسیع و مشتمل بر موضوعات گوناگون می‌داند. همانطور که در ابتدا اشاره شد در کتب فقهی و در مذاهب اهل سنت (حنفی، حنبلی، شافعی، مالکی) مفهوم محاربه و افساد را در کنار هم و به‌صورت عطف در کنار هم ذکر و تفسیر کرده‌اند و یا به‌جای همدیگر استعمال کرده‌اند به گونه‌ای که فی‌الواقع این دو مفهوم در نظر اهل سنت مرادف هم می‌باشد یا حداقل از نظر مصداق و واقعیت‌های خارجی آنها را منطبق بر هم و بدون انفکاک می‌دانستند. از چنین مواردی به دست می‌آید که به نظر فقهای اهل سنت محاربه دارای یک واقعیت خارجی می‌باشد. البته موارد نادر من جمله دیدگاه مؤلف کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه در تمایز و وسعت بیشتر جرم افساد در حوزه‌های مختلف می‌باشد حتی معروف‌ترین کتاب اهل سنت که به مباحث جنایی پرداخته (التشریح الجنائی)، هیچ اشاره‌ای به موضوع افساد فی الارض نکرده است (عوده، ۱۴۳۴: ۶۳۸/۲). در این کتاب نیز فقط بحث از محاربه شده است و هیچ اشاره‌ای به مسأله مفسد فی الارض نشده است و عجیب‌تر اینکه در کتب تفسیری اهل سنت نیز هیچ اشاره‌ای به موضوع بحث ما نکرده و فقط عناوین حراجه یا محاربه را آورده‌اند. وجه اشتراک علما و فقهای اهل سنت عطف کردن «و» در آیه میان محاربه و افساد می‌باشد.

با توجه به دلایلی که پیش‌تر عنوان گردید استقلال افساد فی الارض از محاربه اقدام شایسته و قابل تحسین قانونگذار بوده و هدف از این سیر در مذاهب اسلامی این بود تا بتوان با پذیرش شباهت‌های بنیادین در ادله فقها برای

جدی را با چاشنی وحدت اسلامی و وفاقی که پیرامون محاربه و افسادفی الارض وجود دارد، در مورد مجازات آن تعدیل نمود؛ قاطبه اهل سنت استقلالی برای افسادفی الارض قائل نیستند و محاربه و افسادفی الارض را همپراز هم می‌دانند، اما می‌توان با توجه به عدم پاسخگویی محاربه در قبال مفسده‌هایی که به‌طور مداوم در جامعه در حال بروز هستند، در عین جرم‌انگاری مستقل افسادفی الارض با پذیرفتن آن و تبیین شرایط و ارکان این جرم و افزودن یک قید بسیار مهم به آن یعنی افزودن معیار سازمان‌یافتگی در رفتارهای مجرمانه از ظرفیت مزبور بهره برد. همچنین در مجازات این عنوان مستقل، می‌توان از مجازات محاربه وام گرفت و مجازات‌های چهارگانه محاربه را به‌جای مجازات اعدام صرف، به‌صورت ترتیبی اعمال نمود و در اعمال مجازات جرایم سازمان‌یافته با وجود سایر شرایط ماده ۲۸۶ ق.م.ا نیز باید تلاش شود که اشخاصی که در رأس هرم قرار دارند به مجازات سلب حیات محکوم شوند تا هدف عقیم‌سازی محقق شود در غیر این صورت نتیجه این می‌شود که روند جرایم سازمان‌یافته در زمینه‌های مختلف نظیر قاچاق کالا صعودی خواهد بود و استفاده ابزاری از حد افسادفی الارض برای آرام کردن مقطعی احساسات عامه مردم در دستور کار نظام حاکمیت قرار می‌گیرد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در نگارش این اثر یاری رسانده‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

محاربه و افسادفی الارض، مجازات‌های چهارگانه محاربه را بر عنوان افسادفی الارض تعمیم داد و از مجازات صرف و تک بعدی اعدام برای افسادفی الارض دوری کرد. برای اعمال مجازات‌های چهارگانه محاربه دو دیدگاه که طرفداران قابل‌اعتنایی دارند مطرح شده و اینکه قائل به ترتیبی یا تخییری بودن مجازات‌های چهارگانه محاربه دارند. در آیه ۳۳ سوره مائده، حدهای چهارگانه محاربه در آن ذکر شده است: کشتن (قتل)، دار زدن (صلیب کشیدن)، بریدن دست و پا بر خلاف جهت یکدیگر (قطع) و تبعید (نفی بلد).

پس پذیرش یکسان پنداشتن مجازات محاربه و افسادفی الارض برای بار نمودن مجازات محارب برای مفسد دو راهکار می‌تواند مد نظر قرار گیرد: تخییر یا ترتیب. مجازات تخییری برای محارب ما را از مجازات صرف و تک بعدی اعدام برای مفسد می‌رهاند و این در اختیار مقام قضایی قرار می‌گیرد تا یکی از حدود چهارگانه را اعمال نماید. از سوی دیگر اتخاذ رویکرد ترتیبی رویکردی عدالت محورتر می‌باشد که اصل تناسب نیز در دل آن نهفته است و بهترین راهکار برای مجازات مفسد فی الارض می‌باشد که هم از حالت تک بعدی مجازات اعدام رها می‌شویم و هم با لحاظ نمودن قید سازمان‌یافتگی می‌توان به تناسب، مجازات‌های چهارگانه را برای رسیدن به رأس هرم اتخاذ نمود.

نتیجه‌گیری

نقطه تلاقی جرم اقتصادی قاچاق کالا با جرم حدی افسادفی الارض که با سازوکار نظام حقوقی ما صرفاً مجازات اعدام برای آن لحاظ شده، داشتن قصد مقابله با نظام یا علم به مؤثر بودن آن است (ماده ۳۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲) و صدور حکم اعدام در این موضوع تحت تأثیر نگاه ابزاری به حد افسادفی الارض و مقوله عوام‌گرایی سیاست‌کیفری است چراکه گذشت زمان نشان داده که صرفاً سلب حیات چاره‌گشا نبوده و هدف از اجرای حدود در ناتوانمند سازی مجرم و حفاظت جامعه در برابر آنان با شکست مواجه شده است. شاید بتوان این معضل و آسیب

- محتشم دولتشاهی، طهماسب (۱۳۹۰). *میانی علم اقتصاد*. تهران: نشر خجسته.

- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۵). مشروح مذاکرات دوره هفتم. جلسه ۲۲۹.

- مقدم، علی اصغر؛ یوسفی مراغه، مهدی و رضایی، ارسلان (۱۳۹۱). «بررسی جرم سازمان‌یافته در قوانین داخلی و قراردادهای دوجانبه». *مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۳(۴): ۵-۲۶.

- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۲۹). *فقه الحدود و التعزیرات*. قم: مؤسسه النشر لجماعه المفید الثانیه.

- موسوی، سید محمود (۱۳۹۶). «بررسی قاچاق کالا و تحلیل قانونی جرم آن». *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۱(۳): ۱۰۵-۱۲۱.

- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۷). *حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)*. تهران: نشر میزان.

- نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹). *جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران*. تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.

- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۸). *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*. تهران: نشر میزان.

- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۹). «سرعت بخشی به فرآیند کیفری: ساز و کار برای پیشگیری از بزهکاری». *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، ۲۸: ۳۶۴-۳۸۷.

- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۶). «نگاهی به خلأ قانونی و کاستی‌های کاربردی قوانین». *تحقیقات حقوقی آزاد*، ۱: ۱۷۹-۲۰۶.

- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۵). *صحیفه عدالت*. جلد دوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- بیات سرمدی، سمیرا و عباسی، منصوره (۱۳۸۹). «اتحادیه اروپا و پدیده قاچاق». *فصلنامه پژوهشی تحلیلی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز*، ۱۲: ۲۸-۳۶.

- جعفری، منوچهر (۱۳۸۵). «نقش دوگانه سیاست بازرگانی خارجی و واکنش‌های اجتماعی و قانونی در برابر پدیده قاچاق کالا». *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ۲۳۲: ۲۴۴-۲۶۱.

- الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۲۴). *الفقه علی المذاهب الاربعه*. جلد پنجم: بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، تهران: انتشارات استقلال.

- سعیدی، سامان (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی تدابیر واکنشی و پیشگیری از جرم قاچاق کالا در حقوق ایران و آمریکا». *مجله بین‌المللی پژوهشی ملی*، ۳۲: ۱۴۹-۱۶۲.

- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد سوم، قم: النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). *الاستبصار*. جلد چهارم، تهران: دار الکتب العلمیه.

- عوده، عبدالقادر (۱۴۳۴). *التشريع الجنائی الاسلامی*. جلد دوم، القاهرة: مکتبه دار التراث العربی.

- فتحی، محمدجواد و امیر حاجیلو، فضل اله (۱۳۹۷). «جلوه‌های دادرسی افتراقی قاچاق کالا در پرتو اصول دادرسی منصفانه». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۸(۲): ۳۷۹-۳۹۹.

- فرهنگ دلیر، مهدی (۱۳۹۳). *احکام قاچاق*. قم: انتشارات جوان.

- Passas, N (2017). *Transnational Financial Crime*. London: Taylor & Francis.
- Pfeiffer, C; Windzio, M & Kleimann. M (2005). "Media use and its impactson crime perception. Sentencing attitudes and crime policy European". *Journal of criminology*, 2(3): 259-285.
- Rorie, M. L (2019). *The Handbook of White-Collar Crime*. London: Wiley.
- Ryder, N; Turksen, U & Hassler, S (2016). *Fighting Financial Crime in the Global Economic Crisis*. Hague: Routledge.
- Schoultz, I & Jordanoska, A (2019). *The "Discovery" of White-Collar Crime: The Legacy of Edwin Sutherland*. The Handbook of White-Collar Crime. London: Wiley.
- Wilfrid, J (2000). *Droit Penal Des Affaires*. 4th ed. France: Dalloz.

ب. منابع انگلیسی

- Achim, M; Violeta, B & Sorin, N (2020). *Economic and Financial Crime: Corruption, shadow economy, and money laundering*. London: Springer.
- Betts, M. J (2017). *Investigation of Fraud and Economic Crime*. Oxford: Oxford University Press.
- Button, M; Hock, B & Shepherd, D (2022). *Economic Crime: From Conception to Response*. Hague: Routledge.
- Gallien, M & Weigand, F (2021). *The Routledge Handbook of Smuggling*. Hague: Routledge.
- Jones. R (2010). "Populist leniency, crime control and due process". *Theoretical criminology*, 44(3): 331-347.
- OECD (2021). *Fighting Tax Crime – The Ten Global Principles*. Washington: OECD Publication.